

حمید ضرابی

(مدیر مسئول و سردبیر)

info@ashian.ca



مادر! وجودت نعمتی است بزرگ

وقت خود را در تنگنا قرار دهیم مسلماً برای رسیدگی به خانواده، پدر، مادر و دوستان نزدیک وقت نخواهیم داشت. در این میان مادران و پدران پیر بیشترین آسیب را می بینند. مادران ما در شرایط کنونی زندگی در جامعه‌ی ماشینی غرب، علاوه بر این که از کبر سن و مشقات خاص این دوره رنج می برند؛ چون در محیطی زندگی می کنند که با زبان و فرهنگ آن بیگانه هستند و به ناچار به لحاظ زندگی اجتماعی متکی به دیگرانند، به رسیدگی بیشتر ضرورت دارند. وضعیت خاص سنی شان اقتضاء می کند که باید به کارها و امور زندگی شان رسیدگی بیشتر شود و مهم تر از همه این که نباید از لحاظ عاطفی در انزوا قرار گیرند. متأسفانه در بعضی از خانواده‌های ما به علت اثرات منفی شرایط زندگی جدید، مادران از جایگاه شایسته و بایسته خویش برخوردار نیستند و به آنان توجهی که باید بشود، صورت نمی گیرد. شماری از مادران هم در خانه‌های مخصوص سالمندان زندگی می کنند. زندگی در چنین خانه‌ها برای مادران کانادایی شاید چندان ناپسندیده نباشد چون امری عادی تلقی می شود؛ اما مادران ما هنوز به آن مرحله نرسیده اند که بتوانند به لحاظ ذهنی خود را با این فرهنگ تطبیق دهند. زندگی در این گونه خانه‌ها هم به دلیل انزوای اجتماعی آنها و هم به دلیل عدم سازگاری ذهنی و فرهنگی، به نوعی زجر روحی برای آنها می ماند.

سراغ دارم مادر ها و یا پدرهایی را که آن قدر علو طبع و عزت نفس دارند که می گویند هیچ چیزی از فرزندان خود انتظار ندارند جز این که لحظاتی از روز یا شب را در کنار آنها باشند، چون حضور فرزندان شان را مایه دلگرمی و تقویت روانی خود می دانند. ما انسان‌ها متأسفانه قدر نعمت‌هایی را که داریم نمی دانیم. گاه آن قدر مستغرق امواج پر تلاطم زندگی ماشینی و مشغله‌های بی حاصل می شویم که فراموش می کنیم که سایه‌ی مادر و پدر بر سر انسان چه نعمتی است؛ نعمتی که خیلی‌ها از آن محروم اند. فراموش می کنیم که دعای دل مادر و پدر، پشتوانه‌ای است عظیم برای موفقیت و پیروزی در کارزار زندگی.

بیا یاد تا با استفاده از این فرصت - روز جهانی مادر - دم را غنیمت دانسته، قدر مادر و پدر را بدانیم و دل آنها را به دست بیاوریم. چه خوب است زندگی روزمره‌ی خود را طوری تنظیم کنیم که بخشی از وقت خود را به مادر و پدر اختصاص دهیم و به رفع نیازهای عاطفی آنها توجه داشته باشیم، از آنها دلجویی کنیم، به آنها ابراز محبت و علاقه کنیم، از زحمت‌ها و مشقت‌هایی که به خاطر ما، در طول زندگی کشیده‌اند، یاد و قدردانی نماییم. و حرف آخر آنکه فراموش نکنیم که به آسایش واقعی زمانی خواهیم رسید که آنها یی را که بر گردن ما حق دارند به ویژه مادر و پدر را هم در آسایش خود شریک سازیم.

بیباتا قدر هم دیگر بدانیم تا ناگاهز همدیگر نمایم

آشیان تان همیشه سرسبز و آباد باد!

اول می ۲۰۰۵ / ۱۱ نور ۱۳۸۴

روز جهانی مادر - این شریف ترین و عزیز ترین موجود عالم - را پیش رو داریم؛ موجودی که از کودکی با محبت و رفتار پرمهرش، در کنار تربیت جسمانی به ما درس مهرورزی داده، احساسات عاطفی و انسانی را که گوهر جان آدمی است در صدف وجود ما پرورش می دهد و از ما انسان اخلاقی به بار می آورد.

این روز خجسته را به تمام مادران عزیز مخصوصاً "مادران هم وطن تبریک و تهنیتی می گویم. در این نوشتار می خواهم به جای تجلیل‌های لفظی متداول و متعارف به طور فشرده، وضعیت و جایگاه کنونی مادران عزیز مان را در خانواده و در جامعه به بررسی بگیرم و به معضلی در همین زمینه اشاره نمایم.

به طور کل ما انسان‌ها، همیشه از آنچه داریم غافل می مانیم و به دنبال چیزهایی که نداریم سرگردانیم. فکر می کنیم روزی که به مطلوب خیالی خود برسیم دیگر رنج و غم ما پایان خواهد یافت و به آسایش مطلوب خواهیم رسید؛ در حالی که خواسته‌های بشر هیچ گاه به پایان نمی رسد و همیشه یک خواسته جای خود را به خواسته‌ی دیگر می دهد و در نتیجه از ما موجودی همیشه سرگردان می سازد که باید همواره آسایش خود را فدای چیزهایی کنیم که بودن و نبودن شان تفاوتی چندان در کیفیت زندگی ما به وجود نمی آورد. گاه نیز چنین دیده شده که به جای این که به نعمت‌هایی که داریم دل خوش کنیم، غیبه‌ی زندگی دیگران را می خوریم؛ بدون این که به شرایط و خصوصیات زندگی خود توجه کنیم. البته تلاش برای رسیدن به آسایش و آرامش امری طبیعی و پسندیده است؛ اما سخن بر سر آن دسته از اصطلاح آسایش‌هایی است که فراهم آمدن آن‌ها، آن قدر واجب و ضروری نیست و اغلب خود ما از سر قناعت نپذیری و به تبعیت از حس فزون طلبی به آن‌ها تن می دهیم و از عوارض جانبی و اثرات منفی آن غافل می مانیم.

قدر مسلم آن است که آسایش به طور رایگان به دست نمی آید بلکه فراهم کردن آرامش و آسایش نیازمند فراهم کردن وسایل آن است و فراهم کردن وسایل آسایش مستلزم کار و کوشش و صرف بیشتر وقت، انرژی و توان انسانی است. به قولی ناگزیر باید آسایش خود را فدای فراهم کردن وسایل آسایش کرد!! مثلاً برای اینکه موتر مدل سال داشته باشیم تا از استراحت بیشتر برخوردار شویم، لاجرم باید ساعات بیشتر روز را کار کنیم تا بتوانیم از عهده‌ی هزینه‌های داشتن یک موتر مدل سال برآییم. پس در واقع ما برای بهره مند شدن از استراحت و آسایش واهی موتر نو، به طور نا آگاهانه روزانه چندین ساعت از آسایش و استراحت خود را برهم زده ایم.

اما آنچه از این مقدمه می خواهم نتیجه بگیرم، این است که این نوع کار و سرگرمی بیش از حد و بعضاً غیر ضروری، علاوه بر این که زمینه را برای بروز خستگی‌های جسمی و روحی خود ما فراهم می سازد، تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم را بر اساس و شالوده‌ی روابط خانوادگی نیز می گذارد که خوب است از آنها غافل نمایم.

یکی از این عوارض، کاهش روابط و علایق متقابل خانوادگی است. ما اگر از لحاظ